



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2024.19628.2328

Validation of Narration of Salat al-Tasbih or Jafar Tayyar's Prayer

Abdul Sattar Totazahi¹

Valiullah Hasoomi^{2*}

Abstract

The present study deals with the documentary and content analysis of the hadith of Salat al-Tasbih or Jafar Tayyar's prayer, which is one of the most important recommended prayers. The thought of attention only to appearance (Zahergerai) became popular in the second century, and Hadith narrators and texts were judged incorrectly by looking at the appearance of the hadith. the rejection of the Hadith narrators and the text by the Tasbih prayer is one of those cases. First, Ibn Juzi and then his followers made Criticisms to the authenticity of this hadith and listed it among the fake hadiths. Later, Ibn Taymiyyah criticized the text of this hadith with the same approach and considered it as not authentic. This article criticizes and answers these Criticisms in a descriptive-analytical methods using Sunni principles. According to researches, this hadith is authentic in Shia sources, and according to the principles of Sunni, this hadith can be defended and accepted, and Ibn Juzi's criticisms of the narrators of this hadith are not correct. Ibn Taymiyyah's criticism of the text of this hadith is also not acceptable and it is rooted in Ibn Taymiyyah's wrong views towards Shiism. The primary basis for writing the book Minhaj Sunnah also confirms this. In addition, Ibn Taymiyyah's criticisms conflict with the views of other Sunni Sects.

Keywords

Salat al-Tasbih, Jafar Tayyar prayer, analysis of narrations, content analysis.

Article Type: Research

1. Master's Degree Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran. Email: totazahi8539@gmail.com
2. Responsible Author, Associated Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran. Email: dr.hsoomi@theo.usb.ac.ir

Received on: 01/12/2023 Accepted on: 02/03/2024

Copyright © 2024, Totazahi & Hasoomi

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره الکترونیکی: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2024.19628.2328

اعتبارسنجی روایت صلاة التسييح يا نماز جعفر طيار

عبدالستار توتازهی^۱
ولی اله حسومی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی سندی و محتوایی حدیث صلاة التسييح يا نماز جعفر طيار می‌پردازد که یکی از مهم‌ترین نمازهای مستحبی است. با رواج تفکر ظاهرگرایی در قرن دوم دآوری نادرست و ظاهر بینانه اسناد و متون حدیثی رواج پیدا کرد که رد سند و متن حدیث نماز تسييح یکی از آن موارد است. ابتدا ابن جوزی و سپس سایر پیروانش اشکالاتی را به سند این حدیث وارد و آن را در زمره احادیث موضوعه ذکر کردند. در ادامه ابن تیمیه با همین رویکرد با طرح اشکالاتی در مورد متن حدیث، در اصالت آن خدشه وارد کرد. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی آن است تا با بهره‌گیری از مبانی اهل سنت به نقد این اشکالات بپردازد. طبق بررسی‌های انجام گرفته، این حدیث در منابع شیعه از صحت و اصالت برخوردار است و طبق مبانی رجالی اهل سنت نیز سند آن قابل دفاع و پذیرش بوده و اشکالات سندی ابن جوزی وارد نیست. از جهت محتوا نیز اشکالات ابن تیمیه قابل پذیرش نیست و ریشه در دیدگاه‌های تند ابن تیمیه نسبت به تشیع دارد و مبنای اولیه تألیف کتاب منهاج السنة نیز همین را تأیید می‌کند. علاوه بر این، اشکالات ابن تیمیه با دیدگاه سایر مذاهب اهل سنت نیز تعارض دارد.

کلیدواژه‌ها

صلاة التسييح، نماز جعفر طيار، تحلیل سندی، تحلیل محتوایی.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
totazahi8539@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول).
dr.hsoomi@theo.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

در اواخر قرن دوم تا قرن سوم فتنه‌های زیادی در بدنه امت اسلامی شکل گرفت که آثار آن در حوزه نقل روایت نیز هویدا شد. از این رو علم حدیث به مرور زمان شکل گرفت تا روایات درست را از نادرست جدا کند. گرایش‌های فکری و کلامی گوناگونی نیز در میان مسلمانان، مزید بر علت شد تا دانشمندان حدیثی مسلمان در داوری اسناد و متون حدیث دیدگاه‌های یکسانی نداشته باشند. از دل این جریانات، تفکر ظاهرگرایی پدید آمد؛ ظاهرگرایان گروهی از اهل حدیث و جریان فکری تحجرگرایی است که بر ظواهر کتاب و سنت، عدم بکارگیری عقل و اندیشه در فهم معارف و حیانی و فراتر نرفتن از معنای ابتدایی آیات و روایات تکیه دارد (فتحی، ۱۳۹۷، ش ۳۹). این تفکر هرچند در بحث تفسیر آیات نمود بیشتری داشته است اما بررسی سند و متن روایات نیز تحت تأثیر این بینش قرار گرفته است.

احمد بن حنبل آغازگر جریان ظاهرگرایی بوده و این جریان در زمان او به تکامل رسیده است و هر دانشمندی که در فقه پیرو او بوده لاجرم به این تفکر گرایش داشته است (ابوزهره، بی تا، ۸۸-۹۰). از زمره این دانشمندان که در حدیث تابع مشرب احمد حنبل بوده‌اند، ابن جوزی حنبلی و ابن تیمیه حرانی هستند. ابن جوزی و ابن تیمیه نخستین کسانی هستند که اسناد و محتوای حدیث نماز تسبیح را از ریشه و اساس باطل قلمداد کرده و پس از آن‌ها سایر دانشمندان حنبلی مذهب، دیدگاه‌های آن‌ها را بازتاب فراوانی دادند. نوشتار حاضر به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از مبانی خود اهل سنت به بررسی و ارزیابی دیدگاه ابن جوزی و ابن تیمیه در خصوص این حدیث پرداخته و اصالت این حدیث را مورد ارزیابی قرار داده و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

مهم‌ترین اشکالات سندی و متنی ابن جوزی و ابن تیمیه در مورد حدیث صلاة التسبیح چیست؟

آیا این حدیث از جهت سندی طبق مبانی اهل سنت قابل دفاع است؟

آیا اشکالات متنی قابل پذیرش است؟

جهت پاسخ به سؤالات فوق پس از مرور پیشینه، به بررسی سندی و محتوایی پرداخته می‌شود و چون در منابع شیعه این حدیث محل مناقشه نیست صرفاً تخریج آن صورت گرفته و در ادامه به تخریج حدیث در منابع اهل سنت پرداخته شده و اشکالات سندی و متنی طبق مبانی اهل سنت مورد ارزیابی قرار گرفته است.

تألیف درباره موضوع پژوهش حاضر قدمتی دیرینه و تاریخ‌گذاری آن به قرن چهارم

هجری بر می‌گردد اما متأسفانه بیشتر مکتوبات در گذر زمان از بین رفته‌اند. در لابه لای متون تاریخی و حدیثی گزارش‌هایی از محدثان پیشین وجود دارد که روایات مربوط به این نماز را به شکل جزء نویسی در کتاب مستقلی نوشته‌اند؛ به عنوان نمونه گزارش زبیدی (۱۴۲۶ق، ۳: ۴۷۷) در خصوص دارقطنی؛ گزارشی سیوطی به نقل از ابن حجر (۱۳۹۵ق، ۲: ۴۲-۴۳)، در مورد ابن منده اصفهانی؛ گزارش ذهبی (بی‌تا، ۳: ۱۱۴۰)، در مورد خطیب بغدادی؛ گزارشی از تاج‌الدین سبکی (بی‌تا، ۷: ۱۸۳)؛ گزارشی از ابن حجر (۱۴۲۷ق، ۲: ۱۷) در مورد ابوموسی اصفهانی و... اما نگارش علمی و تحقیق در خصوص اعتبارسنجی این روایت و پاسخ به اشکالات مخالفان بر حسب بررسی نگارندگان یافت نشد. البته آثاری به جمع و تألیف و تحقیق فقهی و شرح الفاظ و به صورت مختصر به مباحث سندی و رجالی این روایت پرداخته‌اند از جمله: شمس‌الدین بعلی حنبل (بی‌تا) در رساله «الجزء النجیح فی الکلام علی صلاة التسيب» با محوریت طریق ابن عباس به شرح الفاظ حدیث، احکام فقهی، پیشینه نماز، بیان اوقات مستحبی، فضایل نماز و... پرداخته است.

در کتاب «الترجیح لحدیث صلاة التسيب» نوشته ابن ناصرالدین دمشقی (۱۴۰۹ق) رجال‌شناسی بسیار مختصر و کلی و تألیفات در این باره توسط محقق کتاب بیان شده است. ابن طولون دمشقی (۱۴۱۵ق) در کتاب «الترشیح لبیان صلاة التسيب» اقوال فقهای مذاهب درباره استحباب این نماز، شرح واژگان غریب، فقه حدیث، احکام فقهی، انواع ادعیه مستحبی مخصوص این نماز بیان و به صورت مختصر به مباحث سندی اشاره کرده است. هاشمی سلوی (۱۴۲۸ق) در کتاب «منهج التوضیح لمسائل صلاة التسيب» و عبدالرئوف سکهروی (۱۳۹۵ش) از علمای معاصر اهل پاکستان در کتاب «فضایل و مسائل نماز تسيب» به زبان اردو فضایل و احکام فقهی نماز تسيب را بیان کرده‌اند. اما رویکرد نوشتار حاضر اعتبارسنجی این روایت با محوریت پاسخ به شبهات سندی و متنی مطرح شده توسط ابن جوزی و ابن تیمیه است که با تتبع گسترده در متون حدیثی و رجالی انجام شده است و چنین تحقیقی توسط نویسندگان پیش از این یافت نشد.

۲. مفهوم‌شناسی روایت صلاة التسيب

نماز تسيب که در فقه مقارن با عنوان‌های نماز جعفر طیار، نماز حَبوه و صلاة التسيب نیز شناخته می‌شود از سری نمازهای مستحبی است که بر اساس روایات اهل سنت، پیامبر (ص) آن را به افرادی آموزش داده است؛ روایات اهل سنت در مورد شخص آموزش

داده شده دارای اختلاف هستند که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد. طبق نقل ترمذی، پیامبر (ص) در حدیثی طولانی آن را به عباس بن عبدالمطلب عموی خود آموزش داده است (ترمذی، بی تا، ۲: ۳۴۸). اما بر اساس روایات شیعه، این نماز توسط پیامبر (ص) به پسر عموی خود جعفر بن ابیطالب، پس از بازگشت سفر تاریخی از حبشه به مدینه در سال هفتم هجری جهت قدردانی از زحماتش به عنوان هدیه به وی آموزش داده شد (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ۳: ۴۶۵)؛ و ائمه اطهار (ع) نیز پیوسته پایبند آن بوده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ۱۲: ۱۹۹).

نماز تسبیح در فقه امامیه یک نماز چهار رکعتی با دو تشهد و دو سلام است (همان، ۱۲: ۲۰۰). در فقه اهل سنت نیز نماز چهار رکعتی اما با دو تشهد و یک سلام است (قاری، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۷۵). نماز تسبیح به جهت تکرار تسبیحات «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» که در مجموع سیصدبار و در هر رکعت هفتاد و پنج بار خوانده می‌شوند با این عنوان مشهور شده است. به این صورت که در هر رکعت بعد از قرائت پانزده بار، در رکوع و پس از تسبیحات رکوع ده بار، پس از برخاستن از رکوع در حالت ایستاده ده بار، در سجده اول پس از تسبیحات سجده ده بار، میان دو سجده در حالت نشسته ده بار، در سجده دوم پس از تسبیحات سجده نیز ده بار، و پس از سجده دوم در حالت نشسته نیز ده بار خوانده می‌شود (همان).

اصالت این نماز در منابع حدیثی اهل سنت، برخلاف منابع شیعه، به علت اشکالات سندی در طرق نقل آن، محل اختلاف و مناقشه است. ریشه این اختلاف نظر ورد اعتبار سندی این حدیث به ابن جوزی حنبلی بر می‌گردد؛ او نخستین بار حدیث نماز تسبیح را با تمام طرقی که در اختیار داشته، بدون مبانی معتبر، در کتاب «الموضوعات» خود درج کرده است (۱۴۱۵ق، ۲: ۶۳-۶۴). در ادامه پیروان او مانند ابن تیمیه در منهاج السنه (۱۴۰۶ق، ۷: ۴۳۴)، ابن عبدالهادی حنبلی در کتاب المحرر فی الحدیث (۱۴۲۵ق، ۱۳۳)، شوکانی در السیل الجرار (۱۴۰۸ق، ۱: ۳۲۸) و در عصر حاضر ابن عثیمین در فتاویٰ منار الإسلام (۱۴۱۰ق، ۲۰۳) با رد سند و محتوای حدیث نماز تسبیح به این اختلاف دامن زده‌اند.

۲-۱. اصل روایت

در این پژوهش متن روایت از دو منبع معتبر حدیثی نزد فریقین یعنی کافی کلینی و سنن ترمذی گرفته شده است که در آن، موضوع آموزش و ترغیب به خواندن این نماز

توسط پیامبر (ص) به شاگردانش مطرح شده است: «قال قال رسول الله (ص) لعباس بن عبدالمطلب، يا عباس، يا عمّاه! (حسب روایات اهل سنت)؛ وقال قال رسول الله (ص) لجعفر بن أبي طالب، يا جعفر! (حسب روایات شیعه) ألا أعطيك، ألا أمنحك، ألا أحبوك، ألا أفعل لك عشر خصال، إذا أنت فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك أوله و آخره و قديمه و حديثه و خطاه و عمدته و صغيره و كبيره و سره و علانيته، عشر خصال: أن تُصلي أربع ركعات، تقرأ في كل ركعة بفاتحة الكتاب و سورة فإذا فرغت من القراءة في أول ركعة قلت و أنت قائم سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر خمس عشرة مرة ثم تركع فتقول و أنت راكع عشرًا، ثم ترفع رأسك من الركوع فتقولها عشرًا، ثم تسجد فتقولها عشرًا، ثم ترفع رأسك من السجود، فتقولها عشرًا، ثم تسجد الثانية فتقولها عشرًا، ثم ترفع رأسك من السجود، فتقولها عشرًا، فذلك خمس و سبعون في كل ركعة، تفعل في أربع ركعات، إن استطعت أن تصلّيها في كل يوم مرة فافعل فإن لم تستطع ففي كل جمعة مرة فإن لم تفعل ففي كل شهر مرة فإن لم تفعل ففي كل عمرك مرة» (كلینی، ۱۳۶۲ ش، ۳: ۴۶۵؛ ترمذی، بی تا، ۲: ۳۴۸).

۳. تخريج و اعتبارسنجی حدیث

۳-۱. در منابع روایی شیعه

اصل روایت نماز تسيب در منابع حدیثی شیعه بر خلاف منابع حدیثی اهل سنت از طرق کمتری نقل و تخريج شده است که در مجموع هفت محدث مشهور شامل: کلینی در الکافی (۱۳۶۲ ش، ۳: ۴۶۵) شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه (۱۴۰۶ ق، ۱: ۳۷۰)، شیخ طوسی در تهذیب الأحکام (۱۴۱۳ ق، ۱: ۱۶۶)، راوندی در النوادر (۱۳۷۶ ش، ۲۳۴)، شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه (۱۴۰۳ ق، ۵: ۱۹۴)، علامه مجلسی در بحار الأنوار (۱۴۲۷ ق، ۱۸: ۴۵۲) و محدث نوری در المستدرک الوسائل (۱۳۸۲ ش، ۳: ۴۵۵) این روایت را نقل کرده‌اند. طبق بررسی‌های انجام شده تمام روایان این حدیث از مشهورترین و مؤثق‌ترین روایان و به اتفاق ثقة بوده و بر اساس اصول رجالی شیعه، روایت صحیح و دارای ارزش استدلالی فراوان و قابل اخذ است (محقق تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ۲۱: ۷۲). حتی علامه مجلسی در مورد سند این حدیث به جهت استفاضه و شهرت ادعای تواتر کرده است (۱۴۲۷ ق، ۱۸: ۴۵۲). در مقام دیگر افزوده که بعد از نمازهای مستحبی روزانه هیچ نمازی به لحاظ قوت سند و کثرت فضیلت همانند نماز تسيب نیست (۱۴۲۳ ق، ۳۲۰).

۲-۳. در منابع روایی اهل سنت

اصل حدیث نماز تسبیح در متون حدیثی اهل سنت از طرق متعدد نقل شده است و بر خلاف منابع حدیثی شیعه در مورد شخصی که پیامبر (ص) این نماز را به او آموزش داده است، متن روایات اختلاف دارند. صحابه گاهی بسته به دغدغه‌های خود پرسش‌هایی را نزد پیامبر (ص) برده‌اند (همتی‌پور و دیگران، ۱۴۰۰، ش، ۲۰۸) و گاهی هم بدون سؤال، پیامبر (ص) مطالبی را به آنها آموزش داده است. این روایت جزء دسته دوم اس که طبق دسته‌ای از روایات، پیامبر (ص) این نماز را به عباس بن عبدالمطلب آموزش دادند؛ بر اساس دسته دیگر، به جعفر بن ابی طالب، بر طبق برخی دیگر به عبدالله بن عمرو بن العاص و بر اساس دسته آخر، نماز تسبیح به عبدالله بن جعفر بن ابی طالب آموزش داده شده است.

۱-۲-۳. تخریج دسته اول روایت: مخاطب پیامبر (ص) عباس بن عبدالمطلب

در مجموع پنج صحابه (ام سلمه، عباس بن عبدالمطلب، فضل بن عباس، ابورافع و عبدالله بن عباس) روایت کرده‌اند که پیامبر (ص) نماز تسبیح را به عموی خود عباس آموزش دادند. روایت ام سلمه را ابونعیم در کتاب «قربان المتقین» تخریج کرده است (دمشقی، ۱۴۰۹، اق، ۴۶). روایت عباس بن عبدالمطلب را دارقطنی (سیوطی، ۱۳۹۵، اق، ۲: ۳۷) و ابن جوزی (۱۴۱۵، اق، ۲: ۶۳) از طریق دارقطنی تخریج کرده‌اند. روایت فضل بن عباس را ابونعیم در رساله «قربان المتقین» (سیوطی، ۱۳۹۵، اق، ۲: ۳۷)، روایت ابورافع را ترمذی (بی تا، ۲: ۳۸۴)، ابن ماجه (۱۴۱۹، اق، ۲: ۴۴۶)، طبرانی (۱۴۲۷، اق، ۱: ۲۸۴)، دارقطنی (سیوطی، ۱۳۹۵، اق، ۲: ۳۸)، بیهقی (۱۴۲۹، اق، ۲: ۳۲۶) و ابن جوزی (۱۴۱۵، اق، ۲۶۴) از طریق دارقطنی تخریج کرده‌اند. روایت ابن عباس را بخاری (۱۴۰۰، اق، ۵۷)، ابوداود (۱۴۳۱، اق، ۲: ۲۵۲)، ابن ماجه (۱۴۱۹، اق، ۲: ۱۵۹)، معمری (سیوطی، ۱۳۹۵، اق، ۲: ۳۸)، ابن خزیمه (۱۴۲۴، اق، ۲۸۳)، طبرانی با چهار سند (۱۴۲۷، اق، ۳: ۱۶۸) و دارقطنی با دو سند (سیوطی، ۱۳۹۵، اق، ۲: ۳۷) تخریج کرده‌اند. ابن شاهین (۱۴۲۶، اق، ۴۲)، حاکم نیشابوری (۱۴۲۲، اق، ۱: ۴۶۳)، بیهقی (۱۴۳۴، اق، ۵: ۴۸۹)، خطیب بغدادی (۱۴۲۹، اق، ۶۳) و ابن جوزی، (۱۴۱۵، اق، ۲: ۶۴) از طریق دارقطنی تخریج کرده‌اند.

۲-۲-۳. تخریج دسته دوم روایت: مخاطب پیامبر (ع) جعفر بن ابی طالب

چهار نفر از صحابه نقل کرده‌اند که پیامبر (ص) نماز تسبیح را به پسر عموی خویش آموزش دادند که عبارتند از: امام علی (ع)، جعفر بن ابی طالب، عبدالله بن عمر، و مرد

انصاری (جابر بن عبدالله). روایت امام علی (ع) را واحدی نیشابوری (سیوطی، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۱)، روایت جعفر بن ابی طالب را عبدالرزاق (۱۴۲۱ق، ۳: ۳۹) و دارقطنی (سیوطی، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۱-۴۲)، روایت عبدالله بن عمر را حاکم نیشابوری (۱۴۲۲ق، ۱: ۴۶۴-۴۶۵) و روایت مرد انصاری (جابر بن عبدالله) را ابوداوود (۱۴۳۱ق، ۲: ۲۵۴) و خطیب بغدادی (۱۴۲۹ق، ۷۵) از طریق ابوداوود تخریح کرده‌اند.

۳-۲-۳. تخریح دسته سوم روایت: مخاطب پیامبر (ص) عبدالله بن عمرو بن العاص

عبدالله بن عمرو بن العاص تنها صحابه‌ای است که خودش نقل کرده است پیامبر (ص) نماز تسبیح را به او آموزش دادند. روایات این دسته را ابوداوود (۱۴۳۱ق، ۲: ۱۵۷)، دارقطنی (سیوطی، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۱) و بیهقی (۱۴۲۱ق، ۱: ۴۲۸) تخریح کرده‌اند.

۳-۲-۴. تخریح دسته چهارم روایت: مخاطب پیامبر (ص) عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

این دسته از روایات نیز همانند دسته قبلی تنها از خود شخص نقل شده است که نماز تسبیح به وی آموزش داده شده است؛ این روایات را دارقطنی (سیوطی، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۱؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق، ۵۴) تخریح کرده است.

بنابراین، اصل حدیث نماز تسبیح در منابع روایی اهل سنت در مجموع با سی و دو سند به صورت مرفوع و متصل تخریح شده است که شش سند آن (سه سند از ابوداوود، دو سند از ابن ماجه و یک سند از ترمذی) مربوط به منابع دسته اول حدیثی است. اما در تعیین این که مخاطب پیامبر (ص) چه کسی بوده است، یکسان نیستند؛ در مجموع روایات، چهار نفر ذکر شده است که بیست و دو سند به عباس بن عبدالمطلب اشاره دارند و از بین این چهار سند، دو سند از ابوداوود، یک سند از ترمذی و یک سند از ابن ماجه جزء منابع دست اول حدیثی هستند. شش سند به جعفر بن ابیطالب اشاره دارند که سند ابوداوود مربوط به منابع دست اول حدیثی است. سه سند به عبدالله بن عمرو بن العاص اشاره دارند که سند ابوداوود مربوط به منابع دست اول حدیثی است. در یک سند نیز به عبدالله بن جعفر بن ابی طالب اشاره است.

اما در منابع روایی شیعه، در مجموع به واسطه هفت محدث در قالب هشت سند تخریح شده است که از این میان، سه سند: از کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی، مربوط به منابع دسته اول حدیثی است و بر طبق همه اسناد، مخاطب پیامبر (ص) در آموزش این نماز، جعفر بن ابی طالب بوده است.

۴. اشکالات سندی

طبق بررسی‌های صورت گرفته، ابن جوزی حنبلی نخستین کسی است که بر اسناد نماز تسبیح ایراد وارد کرده و به ویژه این که حدیث نماز تسبیح را در کتاب (الموضوعات) ذکر کرده که موضوع آن بیان احادیث جعلی است. سایر کسانی که در حوزه اهل سنت به سند حدیث صلاة التسبیح خدشه وارد کرده‌اند، صرفاً پیرو اشکال تراشی‌های او بوده‌اند. نماز تسبیح در مجموع از یازده صحابی پیامبر (ص) نقل شده است که ابن جوزی فقط طریق سه صحابه: ابن عباس، ابورافع و عباس بن عبدالمطلب را با اسناد خود منتهی به اسناد دارقطنی تخریج کرده است و هر طریق را به دلیلی کرده است. طریق ابن عباس را فقط به خاطر وجود موسی بن عبدالعزیز در زنجیره سند معلول دانسته و افزوده که موسی نزد ما راوی مجهولی است (۱۴۱۵ق، ۲: ۶۴).

طریق ابورافع را فقط به خاطر وجود موسی بن عبیده ربذی در زنجیره سند معلول دانسته و به نقل از احمد بن حنبل گفته: روایت کردن از موسی بن عبیده نزد من حلال نیست و به نقل از یحیی بن معین درباره جایگاه روایی وی گفته: «لیس بشيء» (همان) این اصطلاح رجالی بر ضعف راوی دلالت دارد. طریق عباس بن عبدالمطلب را فقط به خاطر وجود صدقه بن عبدالله دمشقی معلول دانسته و به نقل از احمد بن حنبل وی را ضعیف، به نقل از بخاری وی را منکر الحدیث، و به نقل از ابن حبان افزوده که از راویان ثقه احادیث معضل روایت کرده است و مشغول شدن به مرویاتش هنگام استناد جایز نیست. بعد از ایراد اشکالات سندی در جمع‌بندی پایانی چنین نتیجه‌گیری کرده که همه این طرق قابل اثبات نیستند و به نقل از عقیلی گفته: در مورد نماز تسبیح حدیثی که قابل اثبات باشد وجود ندارد (همان، ۲: ۶۵-۶۶). در ادامه دیدگاه او در این باره در منابع دست اول حدیث اهل سنت مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴-۱. ارزیابی اسناد حدیث در منابع متقدم

در منابع متقدم حدیثی اهل سنت، ابوداود و ابن ماجه از طریق ابن عباس، و ترمذی و ابن ماجه از طریق ابورافع این روایت را نقل کرده‌اند؛ ابوداود از طریق مرد انصاری (جابر بن عبدالله) و عبدالله بن عمرو بن العاص نیز این روایت را نقل کرده است؛ منتها طریق عبدالله بن عمرو بن العاص را به عنوان روایت مرفوع نمی‌پذیرد و آن را از موقوفات عبدالله بن عمرو می‌داند.

۴-۱-۱. ارزیابی سندی روایت ابن عباس بر اساس مبانی رجالی اهل سنت

ابوداود و ابن ماجه روایت ابن عباس را که بر اساس آن مخاطب پیامبر (ص) عباس بن عبدالمطلب است، با سند مشترک در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. در این سند مشترک، راویانی مثل عبدالرحمن بن بشر بن الحکم النیسابوری، موسی بن عبدالعزیز، حکم بن أبان و عکرمه هستند که طبق مبانی اهل سنت همه مؤثق‌اند به جز موسی بن عبدالعزیز که ابن جوزی او را مجهول می‌داند (۱۴۱۵ق، ۲: ۶۴).

خزرجی با تکیه بر قول ابن مدینی وی را منکرالحديث می‌داند (۱۴۲۲ق، ۳: ۱۴۴). اما ابن حجر (۱۴۱۵ق، ۱۰: ۳۱۸) و ذهبی (بی‌تا، ۴: ۲۱۳) در رد نظر خزرجی، دیدگاه ابن مدینی در مورد موسی بن عبدالعزیز را ضعیف می‌دانند. ابن حبان او را از ثقات می‌داند (۱۴۰۳ق، ۹: ۱۵۹). او از راویان مورد پذیرش نزد بخاری بوده و دو کتاب «جزء قراءة خلف الامام» (۱۴۰۰ق، ۵۲) و «الادب المفرد» (۱۴۲۰ق، ۱۹۹) را از او روایت کرده است. ذهبی می‌گوید: «موسی بن عبدالعزیز بیشتر به جهت اینکه راوی کم حدیثی بوده مورد نقد و طعن واقع شده است» (بی‌تا، ۴: ۲۱۳). ابن حجر با عنوان (صدوق) او را تعدیل کرده است (۱۴۳۰ق، ۵۸۱).

از نظر ابن جوزی او مجهول است اما علاوه بر توضیحات بالا، بر اساس اصطلاحات علم مصطلح‌الحديث، جهالت راوی بر سه گونه است: یا مجهول‌العین یا مجهول‌الحال یا مبهم است. وثاقت راوی مجهول‌العین از دو طریق به اثبات می‌رسد: نخست این‌که کسانی وی را ثقه گفته باشند که از وی نقل حدیث مستقیم نکرده باشند یعنی از شاگردانش نباشند. مگر این‌که توثیق‌اش از جانب شاگردی صورت گرفته باشد که جایگاه رجال‌شناسی او نزد سایر دانشمندان حدیثی و رجالی محرز باشد (طحان، ۱۴۲۸ق، ۱۰۰)؛ دوم این‌که حداقل دو نفر راوی ثقه از او حدیث نقل کرده باشند (زیبیدی، ۱۴۲۶ق، ۳: ۷۸۳).

با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که موسی بن عبدالعزیز راوی مجهول‌العینی نیست، به دلیل این‌که راویان ثقه‌ای مثل بشر بن حکم، عبدالرحمن بن بشر بن حکم، إسحاق بن ابراهیم، زید بن مبارک صنعانی و محمد بن أسد خشی از او حدیث نقل کرده‌اند (مزی، ۱۴۱۳ق، ۲۹: ۱۰۱؛ زیبیدی، ۱۴۲۶ق، ۳: ۷۸۳). لذا موسی بن عبدالعزیز راوی مجهول‌الحال نیست زیرا چنان‌که اشاره شد، رجالیون معروف اهل سنت او را به نیکویی توصیف کرده‌اند؛ و چون نامش در سلسله سند حدیث تصریح شده است قاعدتاً راوی مبهم نیست. طبق مبانی اهل سنت تخریج بخاری خود قوی‌ترین دلیل بر اصالت

حدیث نماز تسبیح است و موافقت ابوداوود و ابن ماجه مُهر تأییدی بر صحت و درستی آن است (مزی، ۱۴۱۳ق، ۲۹: ۱۰۳).

درباره موضع‌گیری ابن جوزی در قبال حدیث نماز تسبیح از طریق ابن عباس، بهترین تحلیل را ذهبی ارائه داده است که گفته: «ابن جوزی صرفاً بخاطر کم حدیث بودن موسی بن عبدالعزیز - حسب مبانی نامعتبرش در کتاب الموضوعات - حکم به مجهول بودن او کرده است» (بی‌تا، ۴: ۲۱۳).

با توجه به بررسی‌های انجام شده و تحلیل‌های ارائه شده، حدیث نماز تسبیح از طریق ابن عباس را اگر با قاطعیت نتوان گفت صحیح است حداقل این‌که با توجه به مجموع اسناد متابع و شاهد، به درجه حسن می‌رسد؛ و اگر سخت‌گیرانه تر برخورد شود و نتوان گفت به درجه حسن می‌رسد، به یقین می‌توان گفت که حدیث ضعیف است اما از نوع احادیث ضعیفی که به خاطر داشتن متابع و شاهد که همگی مؤید یکدیگرند، به درجه حسن ارتقا می‌یابد.

۴-۱-۲. ارزیابی سندی طریق ابورافع

ترمذی و ابن ماجه روایت ابورافع را که بر اساس آن مخاطب پیامبر (ص) در آموزش این حدیث عباس بن عبدالمطلب است، با سند مشترک نقل کرده‌اند. در این سند مشترک راویانی همچون: ابو کریب محمد بن العلاء، موسی بن عبدالرحمن ابو عیسی المسروقی، زید بن حباب العکلی، موسی بن عبیده و سعید بن ابی سعید قرار دارند که همه از راویان معتبر و مورد وثوق نزد اهل سنت هستند؛ به جز موسی بن عبیده ربذی که ابن جوزی با تکیه بر دیدگاه احمد بن حنبل که گفته: «نزد من روایت از وی جایز نیست» و با تکیه بر قول یحیی بن معین که در مورد وی گفته: «لیس بشیء» که بر ضعف راوی دلالت دارد، او را راوی معتبری نمی‌داند (۱۴۱۵ق، ۲: ۶۴).

برخی محدثان و رجالیون مثل نسایی (۱۴۰۷ق، ۲۲۴)، ابوزرع رازی (مزی، ۱۴۱۳ق، ۲۹: ۱۰۸)، یحیی بن معین (۱۴۳۰ق، ۴: ۴۰۷)، دارقطنی (۱۴۱۴ق، ۱: ۳۵۱)، ابن حزم (بی‌تا، ۲: ۲۴۷) و ذهبی (بی‌تا، ۴: ۲۱۳) او را تضعیف کرده‌اند. بخاری به نقل از احمد بن حنبل گفته است که او منکر الحدیث است (بی‌تا، ۷: ۲۹۱؛ ۱۴۰۶ق، ۱۱۱). ترمذی او را «صدوق» می‌داند و ضعف او را فقط از جهت حافظه می‌داند (بی‌تا، ۳: ۴۷۰). از نظر ابن حبان او در ذات خود آدم نیک، صالح، پرهیزگار و عابدی بوده است فقط از جهت حافظه ضعیف بوده و ناخواسته روایاتی را از ثقات نقل کرده است که

اصالت ندارند (۱۴۰۲ق، ۲: ۲۳۴).

غالب رجالیون معروف و مشهور اهل سنت با تکیه بر قول احمدبن حنبل و یحیی بن معین او را تضعیف کرده‌اند. حال آن‌که سفیان ثوری و شعبه بن حجاج که از پیش کسوتان و سخت‌گیران در علم رجال اهل سنت هستند، از او روایت نقل کرده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۴۲۲ق، ۸: ۱۷۵). در این بین فقط ترمذی و ابن حبان جرح وی را تفسیر کرده و مربوط به حافظه‌اش دانسته‌اند نه از باب دیانت و عدالت، و چون حافظه ضعیف داشته است، رجالیون او را تضعیف کرده‌اند در غیر این صورت قطعاً او را متروک الحدیث معرفی می‌کردند. احمدبن حنبل و سایر رجالیونی که بر سخن او تکیه کرده‌اند فقط جرح وی را ذکر کرده اما تفسیر نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد موسی بن عبیده فقط به خاطر روایاتی که از عبدالله بن دینار نقل کرده مورد طعن و نقد قرار گرفته است؛ این مسأله در سخنان احمدبن حنبل و یحیی بن معین نیز مشهود است؛ صالح فرزند احمدبن حنبل به نقل از پدرش می‌گوید: «مرویات موسی بن عبیده قابلیت مشغولیت را ندارند زیرا از عبدالله بن دینار احادیثی را نقل کرده که از دیگران روایت نشده است» (ابن ابی حاتم، ۱۴۲۲ق، ۸: ۱۷۵). اگر موسی بن عبیده از عبدالله بن دینار روایت نمی‌کرد احتمالاً احمدبن حنبل او را تضعیف نمی‌کرد.

این تحلیل‌ها در مورد دیدگاه یحیی بن معین نیز صدق می‌کند؛ او موسی بن عبیده را فقط به خاطر روایت کردن از عبدالله بن دینار تضعیف کرده است. احمدبن ابی یحیی می‌گوید: «از یحیی بن معین شنیدم که می‌گفت: موسی بن عبیده دروغگو نیست اما از عبدالله بن دینار روایاتی دارد که پذیرفتنی نیستند» (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۱۳۱).

با توجه به بررسی‌های انجام شده به دو نتیجه اساسی می‌توان دست یافت، نخست این‌که: عبدالله بن دینار در سلسله راویان سند حدیث نماز تسبیح قرار ندارد، دوم این‌که: شاید تعدیل موسی بن عبیده برای احمدبن حنبل احراز نشده است اما محدثان مشهوری همانند سفیان ثوری و شعبه بن حجاج از وی حتی با لفظ «حدیثاً» نقل حدیث کرده‌اند. از نظر محدثان اهل سنت اگر حدیث ضعیف باشد و ضعف آن اندک باشد - یعنی در سلسله سند راوی متروک و دروغ‌گویی نباشد - با توجه به کثرت طرق به درجه حسن ارتقا و از قابلیت استدلال برخوردار می‌گردد. زیرا مجموعه طرق ضعیف تقویت‌کننده و تأییدکننده هم قرار گرفته و اصالت یک حدیث را نشان می‌دهند (بنوری، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۱۵). حدیث نماز تسبیح چه از طریق ابن عباس و چه از طریق ابورافع دقیقاً این ویژگی‌ها را دارا است.

۳-۱-۴. ارزیابی سندی روایت مرد انصاری

ابن جوزی به سند ابوداود از طریق جابر بن عبدالله انصاری - که مخاطب پیامبر (ص) را در آموزش این حدیث جعفر بن ابیطالب می‌داند - نه موقع تخریح و نه آن‌جا که در مقام بیان اشکالات سندی است، اشاره‌ای نکرده و ایرادی وارد نکرده است. در سلسله روایان ابوداود روایانی همچون: ربیع بن نافع، محمد بن مهاجر و عروقه بن رویم قرار دارند. در این سند همه روایان آن طبق مبانی اهل سنت چنان قوی و معتبر هستند که بدون هیچ حرف و حدیثی اصالت و مشروعیت نماز تسبیح را به اثبات می‌رسانند. اما چرا سایر محدثان مانند: ترمذی، ابن ماجه، ابن خزیمه و دیگران، حدیث نماز تسبیح را از این طریق در کتاب‌های خود نقل نکرده و به تخریح از طریق ابن عباس و ابورافع بسنده کرده‌اند؟ دلیلش این است که ابوداود در این سند، تصریح به نام صحابه نکرده است و با لفظ (رجل انصاری) سند را آورده و مصداق آن را مشخص نکرده است از این جهت بعضی از محدثان روایت را مجهول دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۴۲۹ق، ۳۰۸).

مزی مصداق مرد انصاری، را جابر بن عبدالله می‌داند (۱۴۰۳ق، ۲: ۲۱۹). ابن حجر نیز با توجه به این‌که ابن عساکر در ترجمه عروقه بن رویم احادیثی را از جابر انصاری نقل کرده، چنین نتیجه گرفته است که احتمال می‌رود مرد انصاری در سند ابوداود همان جابر بن عبدالله انصاری باشد (سیوطی، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۳).

از مجموع مطالب بالا می‌توان گفت، در متون حدیثی اهل سنت یازده نفر از صحابه حدیث نماز تسبیح را از پیامبر (ص) در قالب سی و دو سند نقل و این اسناد در متون روایی وارد شده است؛ در این بین روایت جابر بن عبدالله انصاری که مخاطب پیامبر (ص) را در آموزش این نماز، جعفر بن ابیطالب می‌داند و ابوداود آن را در کتاب خود نقل کرده است، بر حسب معیارهای روایی و درایی دانشمندان حدیثی اهل سنت از سند قوی‌تر و محکم‌تری برخوردار است و سی و یک سند دیگر، پس از طی فرآیند ارزیابی، این حدیث را از مفرد بودن خارج و به عنوان متابع و شاهد تقویت‌کننده و تأییدکننده آن هستند. این مطلب با روایات معتبر شیعه که مخاطب پیامبر (ص) را در آموزش این نماز جعفر بن ابیطالب می‌داند نیز کاملاً مطابقت دارد.

۲-۴. موضع محدثان اهل سنت در مورد حدیث صلاة التسبیح

چنان‌که ملاحظه شد پذیرفتن و نپذیرفتن اصل نماز تسبیح و به پیوست آن حدیث نماز تسبیح از آغاز تاکنون حول دو محور اساسی در چرخش بوده است؛ نخست این‌که: ابن

جوزی حدیث نماز تسییح را در کتاب الموضوعات آورده است. دوم این‌که: حدیث نماز تسییح را محدثان بزرگی همچون ترمذی، ابوداوود و ابن‌ماجه که صاحب کتاب‌های معتبر و دسته اول حدیثی‌اند تخریج و تصحیح کرده و همین دوگانگی و تناقض، سایر محدثان را مبنی بر داوری و حکم دادن به این حدیث به پنج گروه دسته‌بندی کرده است؛ به نحوی که از برخی دانشمندان فقهی و حدیثی همچون ابن‌حجر، سیوطی، نووی، دارقطنی، شوکانی و... احکام متفاوتی ذکر شده است؛ یک‌جا این حدیث را صحیح، در جای دیگر حسن و گاهی ضعیف دانسته‌اند.

در گروه نخست کسانی هستند که حدیث نماز تسییح را صحیح دانسته‌اند همچون: دارقطنی (ابن‌حجر، ۱۴۱۹ق، ۲: ۱۶)، ابن‌خزیمه (۱۴۲۴ق، ۲۸۳)، ابن‌ماجه (۱۴۱۹ق، ۲: ۴۴۶)، ابوعلی‌بن‌سکن (ابن‌حجر، ۱۴۱۹ق، ۲: ۱۴)، سیوطی (۱۳۹۵ق، ۲: ۴۳)، حاکم نیشابوری (۱۴۲۲ق، ۲: ۴۶۵)، منذری (بی‌تا، ۱: ۲۳۰)، ابوداوود (علایی، ۱۴۰۵ق، ۳۰-۳۱)، علایی (علایی، ۱۴۰۵ق، ۳۰-۳۱)، ابوموسی مدینی (دمشقی، ۱۴۰۹ق، ۴۲)، ابوالحسن‌بن‌مفضل (کتانی، ۱۴۰۱ق، ۲: ۱۰۸)، سراج‌الدین بلقینی (۱۴۳۳ق، ۱: ۲۶۹)، عبدالله‌بن‌مبارک (ترمذی، بی‌تا، ۲: ۳۴۸)، زبیدی (۱۴۲۶ق، ۳: ۴۷۳)، لکنوی (۱۴۲۵ق، ۱۳۸)، زرکشی (۱۴۰۲ق، ۹۹)، ابن‌اثیر جزری (۱۴۲۹ق، ۳۰۸)، سندی (بی‌تا، ۱: ۴۲۰)، آلبانی (۱۴۲۳ق، ۵: ۴۳-۴۵) و....

گروه دوم حدیث نماز تسییح را در درجه حسن قرار داده‌اند؛ مانند: مسلم‌بن‌حجاج نیشابوری (علایی، ۱۴۰۵ق، ۳۱)، ابن‌صلاح (ابن‌علان، بی‌تا، ۴: ۳۱۰)، ابن‌حجر (۱۴۱۱ق، ۱: ۳۸۰)، منذری (بی‌تا، ۱: ۲۳۰)، نووی (۴۲۶ق، ۲: ۱۴۴)، ابن‌عابدین شامی (۱۴۱۵ق، ۲: ۲۷)، شوکانی (۱۳۹۲م، ۳۸)، لکنوی (۱۴۲۵، ۱۳۸)، مبارکفوری (بی‌تا، ۲: ۵۹۹)، احمد شاکر (بی‌تا، ۲: ۳۵۲) و....

گروه سوم حدیث نماز تسییح را ضعیف می‌دانند، مثل: احمدبن‌حنبل (ابن‌قدامه، ۱۴۱۷ق، ۲: ۵۵۱)، عقیلی (۱۴۰۴ق، ۱: ۱۲۴)، ابن‌عربی (۱۴۱۵ق، ۲: ۲۶۶)، مزی و ابن‌حجر (ابن‌حجر، ۱۴۱۹ق، ۲: ۷، ۱۸)، نووی (بی‌تا، ۴: ۵۴)، شوکانی (۱۴۲۵ق، ۱۸۰)، سیوطی (۱۴۳۳ق، ۲: ۲۴۹)، دارقطنی (کاندهلوی، ۱۴۲۵ق، ۲: ۱۱۹) و.... گروه چهارم حدیث نماز تسییح را موضوع می‌دانند، مثل: ابن‌تیمیه (۱۴۰۶ق، ۷: ۴۳۴)، شوکانی (۱۴۰۸ق، ۱: ۳۲۸)، عجلونی (۱۴۱۸ق، ۲: ۵۶۶)، ابن‌عبدالهادی حنبلی (۱۴۲۵ق، ۱۳۳)، ابن‌عثمین (۱۴۱۰ق، ۱: ۲۰۳)، گروه پنجم در حکم دادن به حدیث نماز تسییح سکوت اختیار کرده‌اند، مانند: ذهبی (۱۴۲۲ق، ۷: ۲)، مجد فیروزآبادی (۱۳۳۲ق، ۱۵۰).

گروه نخست که حدیث نماز تسبیح را صحیح می‌دانند، نتیجه پایانی فرایند ارزیابی اسناد حدیث را در نظر گرفته و مقصودشان از صحت حدیث نماز تسبیح این نیست که دارای شرایط یک حدیث صحیح (لذاته) است؛ بلکه مقصودشان این است که حدیث نماز تسبیح پس از طی کردن فرایند ارزیابی همانند یک حدیث صحیح فقهی قابلیت اثبات یک عمل شرعی را دارد؛ یعنی صحیح لغیره است.

گروه دوم که حدیث نماز تسبیح را حسن می‌دانند، نتیجه میانی فرایند ارزیابی اسناد حدیث را با توجه به تشکیل خانواده سندی در نظر داشته‌اند و چون حدیث ضعیف - با ضعف اندک - با توجه به فراوانی طرق نقل، قابلیت رسیدن به مرحله حجیت و اثبات عمل شرعی را دارا است؛ در این صورت از ضعیف به حسن تغییر وصف می‌دهد. زیرا حدیث حسن در حقیقت همان حدیث ضعیف است اما با کارآیی و توانایی بیشتر.

گروه سوم که حدیث نماز تسبیح را ضعیف می‌دانند، نتیجه آغازین فرایند ارزیابی اسناد حدیث را در ذهن داشته و به تعبیری کار را نیمه‌کاره رها کرده‌اند.

گروه چهارم که حدیث نماز تسبیح را موضوع به حساب آورده‌اند، فقط ظاهر حدیث را دیده و زحمت ارزیابی اسناد آن را متحمل نشده و زوایای پنهان آن را مورد کنکاش قرار نداده‌اند. حتی شخص ابن جوزی با وجود این که حدیث را در کتاب الموضوعات آورده است چه در بخش اشکالات سندی و چه در سایر تألیفاتش هیچگاه به صراحت ادعا نکرده است که این حدیث جعلی است. اما گروه پنجم که در مورد این حدیث توقف کرده‌اند، می‌توان گفت متأثر از همین جنجال‌ها و اشکالات بوده و به نوعی جانب احتیاط را مد نظر داشته‌اند. به نظر نگارندگان بهترین و دقیق‌ترین عملکرد را گروه دوم داشته است.

ذکر این نکته نیز در پایان ارزیابی سندی ضروری است که ابن جوزی با آوردن حدیث نماز تسبیح در زمره احادیث جعلی، دچار تناقض شده است؛ زیرا در کتاب دیگرش با نام «أحكام النساء» نماز تسبیح را یکی از نمازهای مستحبی و مشروع در کنار نماز چاشت می‌داند (۱۴۱۶ق، ۷۹). مهم‌ترین منبع ابن جوزی برای تألیف کتاب «الموضوعات» کتاب «الاباطیل» جوزقانی بوده است؛ طبق دیدگاه پژوهشگران معاصر اهل سنت، اقتباس بیش از اندازه ابن جوزی از کتاب جوزقانی و عدم ویرایش و بازبینی، دو دلیل عمده سهل‌انگاری و اشتباهات ابن جوزی در کتاب الموضوعات است. علت این موضع ابن جوزی برحسب گزارش ذهبی این است که ابن جوزی در تصنیفاتش اشتباهات فراوانی داشته است به دلیل این که از دانشمندان پرکار در حوزه تألیف بوده و

بعد از اتمام نوشته‌های خود اعتبارسنجی و ویرایش انجام نداده و این اشتباهات در آثار او راه یافته است (۱۴۱۴ق، ۲۱: ۳۸۷).

۵. بررسی محتوایی حدیث

اشکالات محتوایی بر حدیث نماز تسبیح ریشه در کتاب «منهاج السنة» نوشته ابن تیمیه حرانی دارد. او نخستین کسی است که بر متن و محتوای حدیث نماز تسبیح اشکال تراشی کرده و بیشترین اشکالات را وارد کرده است و همان‌گونه که بیشتر مخالفان این حدیث در بخش اشکالات سندی پیرو دیدگاه ابن جوزی هستند، در بخش اشکالات محتوایی نیز پیرو دیدگاه ابن تیمیه هستند. در مجموع نه اشکال محتوایی بر حدیث نماز تسبیح وارد آمده است که می‌توان به دو بخش اشکالات درون متنی و اشکالات برون متنی دسته‌بندی کرد.

۵-۱. اشکالات درون متنی

مقصود از درون متنی، مجموعه اشکالاتی هستند که به واژگان به کار رفته در متن حدیث مربوط می‌شوند که عبارتند از:

۵-۱-۱. وجود عدد و ارقام در متن حدیث

نخستین اشکال این است که هر نمازی که در آن دستور به رعایت خواندن آیات، سوره‌ها و یا تسبیحات به شمارش خاصی داده شده است به اتفاق حدیث پژوهان بی اساس و دروغ است مگر نماز تسبیح که در این باره دو دیدگاه تصدیقی و تکذیبی وجود دارد که دیدگاه تکذیبی ارجح است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۷: ۴۳۴).

این اشکال را ابن تیمیه بر محور یک قاعده عام ذکر کرده است و اگر مقصود وی فقط وجود اعداد و ارقام در عبادات و کسب فضائل باشد که به هیچ وجه پذیرفتنی نیست چون با روایات صحیح در تعارض است. در باب فضائل تسبیحات مشهور حضرت زهرا (س) (بخاری، ۱۴۲۶ق، ۱۴۰۲؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۴۲۰۹۱؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۱۱)، سوره اخلاص، معوذتین، دو آیه پایانی سوره بقره، ده آیه از سوره کهف و ... احادیث صحیح فراوانی موجود است که اعداد و ارقام در آن نقش دارند. اگر مقصود ابن تیمیه وجود اعداد و ارقام در نماز باشد که نماز تسبیح از این قاعده مستثنا است و خود به استثنای آن اشاره کرده است چرا که نقش ارقام در این نماز برگرفته از نص

صریح شارع است. هرچند نص صریح شارع محل اختلاف است اما از جهت سندی اعتبار آن قابل دفاع و پذیرش است.

۵-۱-۲. ذکر فضائل فراوان برای نماز مستحبی

دومین اشکال این است که فضیلت‌های فراوان ذکر شده در حدیث نماز تسبیح برای یک نماز مستحبی مانند: بخشش گناہان گذشته و آینده، اندکی نا معقول به نظر می‌رسد و فراوانی این چنین فضائلی حتی برای نمازهای واجب بیان نشده است (همان؛ زبیدی، ۱۴۲۶ق، ۳: ۷۹۶).

طرح این اشکال، با نصوص قرآنی و روایات صحیح فراوان در تعارض است. مژده به بخشش گناہان گذشته و آینده طبق مبانی اهل سنت هم از نص قرآن در آیه: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ...» (الفتح: ۲) (رک: ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۷: ۳۰۴؛ قسطلانی، بی تا، ۲: ۳۶۰) و هم از نص روایات (رک: ترمذی، ۱۴۲۴ق، ۲۲۰) ثابت است. حتی ابن حجر در این موضوع تألیف مستقلاً با عنوان «الخصال المکفرة للذنوب المتقدمة و المتأخرة» دارد که تمام اعمال نیکی که مژده بخشش گناہان گذشته و آینده آن‌ها در احادیث ذکر شده را جمع‌آوری و شرح داده است.

۵-۲. اشکالات برون متنی

اما مقصود از اشکالات برون متنی، مجموعه اشکالاتی هستند که فراتر از معانی واژگان بوده و با نظر به اموری بیرون از متن، بر این حدیث وارد شده است که مهم‌ترین آن‌ها دو اشکال به شرح ذیل است:

۵-۲-۱. اشکال نخست: کیفیت نماز تسبیح

اشکال نخست این‌که کیفیت نماز تسبیح، نظم متداول نماز را در هم می‌شکند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۷: ۴۳۴) و این پذیرفتنی نیست (ابن عربی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۶۶-۲۶۷). مقصود از تفاوت کیفیت نماز تسبیح با سایر نمازها، نشستن (همانند تشهد) بعد از سجده دوم در رکعت اول و رکعت سوم بخاطر خواندن تسبیحات - مخصوص نماز تسبیح - است. در این اشکال، نماز تسبیح که از دسته نمازهای مستحبی است با نمازهای واجب در یک مقیاس قرار گرفته است در حالی که طبق مبانی اهل سنت، این نمازها از جهت احکام و میزان سخت‌گیری در مورد آن‌ها تفاوت دارند. عراقی در شرح خود بر سنن

ترمذی آورده که در نمازهای مستحبی نشستن و ایستادن حتی در رکعت اول نیز جواز دارد و اشکال وارده درست نیست. ابن حجر در کتاب «امالی» آورده است: «حسب مضامین روایات و آموزه های نبوی - حدیث نماز تسبیح - مشروعیت جلسه استراحت در نماز تسبیح استثناء است» (ابن علان، بی تا، ۴: ۳۰۸). نماز کسوف که جزء نمازهای واجب دین است، به مراتب مخالفت کیفی بیشتری به نسبت نماز تسبیح با سایر نمازهای واجب روزانه دارد چرا که در نماز کسوف طبق نقل اهل سنت، دو رکوع در یک رکعت انجام می شود و حدیث آن را بخاری (بی تا، ۲: ۲۴) و مسلم (۱۴۳۵ق، ۳: ۶۷) روایت کرده اند.

۵-۲-۲. اشکال دوم: تفاوت در روش خواندن نماز نزد پیشوایان

دومین اشکال برجسته محتوایی این است که یکی از دلایل موافقان مبنی بر مشروعیت نماز تسبیح عمل و توجه پیشوایان پیشین دینی همانند عبدالله بن مبارک تابعی به این نماز است و عبدالله بن مبارک، نماز تسبیح را با روش خود می خواند - و آموزش می داد و روش ویژه او پشتوانه روایی ندارد بلکه حاصل استنباطات فقهی شخص وی است - و در این روش اثری از مخالفت کیفی مشهود نیست (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۷: ۴۳۴).

روش خواندن نماز تسبیح عبدالله بن مبارک را ترمذی با سند مقطوع در کتاب خود ذکر کرده است (بی تا، ۲: ۳۴۸). تفاوت روش عبدالله بن مبارک با روش متداول در خواندن تسبیحات قبل از قرائت است که در روش متداول بعد از قرائت پانزده بار اما در روش ابن مبارک قبل از قرائت پانزده بار و ده باری که در روش متداول در جلسه استراحت خوانده می شد در این روش به بعد از قرائت انتقال یافته است. عراقی در شرحی که بر کتاب سنن ترمذی نوشته تصریح کرده است که روش عبدالله بن مبارک از احادیث مرفوع ثابت نشده است (ابن علان، بی تا، ۴: ۳۰۶) روایات موقوف و مقطوع دیدگاه شخصی صحابه و تابعی هستند و هرچند سندشان صحیح باشد در مقام استناد یارای مقابله با روایات مرفوع را ندارند (ثمانی، ۱۴۲۶ق، ۳: ۱۴۹).

سایر اشکالات برون متنی عبارتند از: نماز تسبیح پیشینه قرون اولیه ندارد و صحابه آن را ناپسند می دانستند. پیشوایان فقهی مذاهب مانند: ابوحنیفه، مالک و شافعی در کل این نماز را نشنیده اند. احمد بن حنبل به آن عمل نکرده است. هیچ یک از دانشمندان حنبلی مذهب بر استحباب نماز تسبیح موافق نیست و همه آن را مکروه می دانند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۷: ۴۳۴) بازگشت بیشتر آن ها به عدم ذکر حدیث در صحیح بخاری و مسلم

و نداشتن سند است که مورد ارزیابی قرار گرفت. اشکالات سندی ابن جوزی که در بخش نخست مقاله آمده را نیز می‌توان از دسته اشکالات برون‌متنی به حساب آورد.

پاسخ مبنایی به همه شبهات ابن تیمیه در این کلام ابن حجر است که گفته: «زمانی که علامه حلی کتابی درباره فضائل امام علی (ع) - منهاج الكرامة فی معرفة الامامة - نوشت، ابن تیمیه در رد وی کتاب بزرگی - منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة - را تألیف کرد و نهایت سعی و تلاش خود را بر رد محتویات آن کتاب به کار بست و همه آن روایاتی را که علامه حلی در کتاب خود آورده است - اعم از صحیح و ضعیف - را مردود قلمداد کرده و در حق او مبالغه و اجحاف کرده است» (۱۴۰۶ق، ۶: ۳۱۹).

از این تحلیل سر بسته ابن حجر به دو تحلیل ریز و ظریف می‌توان دست یافت: نخست این‌که انگیزه اساسی تألیف منهاج السنة... رد کتاب منهاج الكرامة... باشد و همان پیش فرض‌های ذهنی ابتدایی که نشأت گرفته از انگیزه اولیه تألیف است، تا پایان تألیف با ابن تیمیه همراه بوده است، و دوم این‌که: داوری درست بر حدیث نماز تسبیح در این میان، قربانی پیش فرض‌ها و گرایش‌های کلامی و مذهبی قرار گرفته است. علاوه بر این، ابن تیمیه با وارد کردن اشکالات محتوایی بر اصالت نماز تسبیح دچار تناقض بزرگی شده است در حالی که خود در مجموعه فقهی و حدیثی بزرگی که با عنوان «مجموع فتاوی» تألیف کرده است، در ذکر شرایط حدیث صحیح آورده است: «حدیث صحیح آن است که امت آن را به قبولیت تلقی کرده باشند، بپذیرند و به آن عمل کنند، چرا که حسب فرمایش نبوی (ص) «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالَةِ» اجماع امت سمت و سوی انحراف و گمراهی نیست، چون اگر روایتی از ریشه دروغ و باطل باشد قطعاً امت بر دروغ بودن آن اتفاق می‌کردند» (۱۴۲۵ق، ۱۸: ۱۶). حدیث نماز تسبیح در بخش دوم توضیحات وی نمی‌گنجد زیرا که امت بر دروغ بودن آن اتفاق نکرده است.

۶. نتیجه‌گیری

طبق بررسی‌های صورت گرفته در مورد اعتبار حدیث صلاة التسبیح کلی و جزئی ذیل حاصل می‌گردد:

- ۱- به صورت کلی سند حدیث صلاة التسبیح بر اساس مبانی اهل سنت قابل دفاع بوده و نقدها سندی مطرح شده توسط ابن جوزی، پس از ارزیابی سندی و ملاحظه مبانی رجالی و دیدگاه‌های مختلف رجالیون اهل سنت، قابل پذیرش نیست.
- ۲- در بین طرق مختلف نقل این حدیث، روایت ابن عباس، ابورافع و جابر بن عبدالله

انصاری، پس از فرآیند ارزیابی، اسنادی قابل دفاع بوده و در کنار یکدیگر به درجه حسن و حجیت می‌رسند و هر سند نیز به تنهایی بر طبق اصول محدثان و فرض قاعده تساهل در سنن، حداقل در باب فضائل اعمال و ترغیب به معروف، شایستگی توجه و عمل را دارد.

۳- در حوزه اهل سنت روایت جابر بن عبدالله انصاری که مخاطب پیامبر (ص) را در آموزش این نماز، جعفر بن ابی طالب می‌داند، نسبت به سایر روایات از سند قوی‌تر و محکم‌تری برخوردار است و از این جهت اضطراب موجود در حدیث در مورد شخصی که مخاطب پیامبر (ص) بوده، بر طرف می‌شود. این مطلب با روایات معتبر و مشهور شیعه که مخاطب پیامبر (ص) را در آموزش این نماز جعفر بن ابی طالب می‌داند نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۴- ابن جوزی، فقط برخی از طرق حدیث را دیده و به دلیل وجود یک راوی متهم و یا مجهول در سلسله سند، این حدیث را جعلی به حساب آورده است؛ اما اولاً: تضعیف راویان به دلیل اتهام یا مجهول بودن، محل اشکال و مناقشه است و نه تنها نمی‌توان حکم قطعی به ضعیف بودن آن‌ها کرد، بلکه قابل اعتماد بودنشان طبق مبانی اهل سنت، قابل دفاع است. ثانیاً: این حدیث با طرق متعدد نقل شده است و طبق اصول حدیث پژوهان، ورود یک حدیث از طرق متعدد و شهرت آن حتی از طرق ضعیف و نیز نبود اضطراب محتوایی، می‌تواند سبب صحت حدیث شود که ابن جوزی به آن توجه نداشته است.

۵- بر فرض پذیرش ضعف راوی در سند این روایت، باز نمی‌توان به جعلی بودن آن حکم کرد؛ زیرا وجود راوی ضعیف، حدیث را در زمره احادیث ضعیف قرار می‌دهد و تا زمانی که قرینه‌ای برای صحت نداشته باشد قابل استناد نخواهد بود. اما نمی‌توان بر این اساس به جعل بودن آن حکم کرد و از این جهت به مبنای ابن جوزی خدشه وارد می‌شود.

۶- آن‌گونه که علمای اهل سنت گفته‌اند ابن جوزی در کتاب الموضوعات بیش از اندازه به کتاب الاباطیل جوزقانی تکیه داشته و بدون اعتبارسنجی از آن کتاب نقل کرده است، با تسامح شاید بتوان گفت او به این دلیل و کثرت تألیف، روایت نماز تسبیح را به اشتباه جزء احادیث موضوعه به حساب آورده و در کتاب خود نقل کرده است.

۷- دیدگاه و اشکالات محتوایی مطرح شده توسط ابن تیمیه نه تنها با دیدگاه شیعه بلکه با دیدگاه سایر مذاهب فقهی اهل سنت که محتوای آن را بدون اشکال می‌دانند در تعارض است.

۸- بازگشت برخی از اشکالات برون متنی به همان ضعف سند است کہ مورد ارزیابی و نقد قرار گرفت.

۹- اشکال وجود عدد و ارقام و ذکر فضائل فراوان برای این نماز، بہ دلیل فراوانی این امور در متون حدیثی شیعہ و اہل سنت قابل پذیرش نیست.

۱۰- طبق تصریح علمای اہل سنت، می توان گفت پیش فرض های ذهنی تألیف کتاب منهاج السنہ بر داوری ابن تیمیہ از متن این حدیث بی تأثیر نبوده و تلاش داشته است بہ ہر نحوی بر اعتبار این حدیث خدشہ وارد کردہ و آن را فاقد اعتبار و غیر قابل عمل معرفی کند.

منابع

- قرآن کریم.
- آلبانی، محمد ناصرالدین، صحیح سنن ابی داؤد، کویت، غراس، ۱۴۲۳ق.
- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعديل، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۲ق.
- ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیہ، مدینہ منورہ، وزارت الشؤون الإسلامیہ و الأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۲۵ق.
- ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنہ النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة، ریاض، وزارة التعليم العالی جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیة، ۱۴۰۶ق.
- ابن جزری، محمد بن محمد، الحصن الحصین من کلام سید المرسلین، کویت، غراس، ۱۴۲۹ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، أحكام النساء، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- _____، الموضوعات، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۵ق.
- ابن حبان، محمد بستی، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، سوریه، دارالسوعی، ۱۴۰۲ق.
- _____، کتاب الثقات، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۰۳ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، مدینہ منورہ، وزارة الشؤون الإسلامیة و الدعوة و الإرشاد، ۱۴۱۵ق.
- _____، اجوبة عن احاديث وقعت فی المصاییح السنہ و وصفت بالوضع، ضمیمہ مشکاة المصابیح خطیب تبریزی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
- _____، تقریب التهذیب، مدینہ منورہ، دارالیسر، چاپ ہشتم، ۱۴۳۰ق.
- _____، تلخیص الحبیر فی تخريج احاديث الرافعی الكبير، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۹ق.
- _____، لسان المیزان، با تحقیق عبدالفتاح ابوغدہ، بیروت، مکتب المطبوعات الإسلامیة، ۱۴۰۲ق.
- ابن حزم، علی بن احمد، المحلی، بیروت، دارالجیل، بی تا.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، العلل و معرفة الرجال، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ابن خزیمہ، محمد بن خزیمہ، صحیح ابن خزیمہ، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
- ابن شاہین، عمر بن احمد، الترغیب فی فضائل الأعمال و ثواب ذلك، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۶ق.
- ابن عبدہادی، محمد بن احمد، المحرر فی الحدیث، بی جا، بی نا، ۱۴۲۵ق.

- ابن عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی منار الإسلام، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۰ق.
- ابن عدی، عبدالله، الكامل فی ضعف الرجال، با تصحیح یحیی مختار غزازی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن عربی مالکی، محمد بن عبدالله، عارضة الأحوذی بشرح صحیح الترمذی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
- ابن علان، محمد بن علان صدیقی شافعی مکی، الفتوحات الربانیة علی الأذکار النبویة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ریاض، دار عالم الكتب، ۱۴۱۷ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۹ق.
- ابوداود، سلیمان بن أشعث، رساله أبی داود السجستانی فی وصف تالیفه لکتاب السنن، قاهره، مطبعة الأنوار، ۱۳۶۹ق.
- _____، سنن ابی داود، بیروت، دار قرطبه، چاپ سوم، ۱۴۳۱ق.
- ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامی، قاهره، مكتبة ابن تیمیة، بی تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، الادب المفرد الجامع لآداب النبویة، بیروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
- _____، التاريخ الكبير، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- _____، جزء قراءة خلف الإمام، لاهور، المكتبة السلفية، ۱۴۰۰ق.
- _____، صحیح البخاری، دمشق، مكتبة دارالعلم الحديث، ۱۴۲۶ق.
- بعلی حنبلی، ابوالفتح شمس الدین، الجزء النجیح فی الکلام علی صلاة التسییح، بی جا، دار البشائر الإسلامیة، بی تا.
- بلقینی، عمر بن رسلان، التدریب فی الفقه الشافعی، ریاض، دارالقبلتین، ۱۴۳۳ق.
- بنوری، محمد یوسف، معارف السنن، کراچی، ایچ - ایم - کمپنی سعید، ۱۴۱۳ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، سنن الکبری، ریاض، دار عالم الكتب، ۱۴۳۴ق.
- _____، شعب الايمان، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، جامع الترمذی، دمشق، مكتبة ابن حجر، ۱۴۲۴ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۳ق.
- خزرجی، احمد بن عبدالله، خلاصة تذهیب تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، الجزء فيه ذكر صلاة التسییح، ریاض، دارالبشائر الإسلامیة، ۱۴۲۹ق.
- دارقطنی، علی بن عمر، سنن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- دمشقی، ابن طولون، الترشیح لبیان صلاة التسییح، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- دمشقی، ابن ناصر الدین، الترشیح لحديث صلاة التسییح، بیروت، دارالبشائر الإسلامیة، ۱۴۰۹ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، تذكرة الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- _____، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسة الرسالة، لبنان، ۱۴۱۴ق؛
- _____، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- راوندی، کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، تهران، بنیاد فرهنگي کوشا، ۱۳۷۶ش.
- زبیدی، محمد بن محمد، إتحاف السادة المتقیین بشرح إحياء علوم الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
- زرکشی، بدرالدین، خبایا الزوایا، کویت، وزارة الاوقاف والشؤون الإسلامیة، ۱۴۰۲ق.

- سبکی، عبدالوہاب بن علی، طبقات الشافعیة الكبرى، قاہرہ، دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
- سکھروی، عبدالرئوف، فضائل و مسائل نماز تسيح، ترجمہ اویس بادیا، زاہدان، علامہ ندوی، ۱۳۹۵ ش.
- سلوی، ہاشمی بن محمد، منہج التوضیح لمسائل صلاة التسيح، قاہرہ، نجیویہ، ۱۴۲۸ ق.
- سندی، محمد بن عبدالہادی، شرح سنن ابن ماجہ، بیروت، دارالجمیل، بی تا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، اللآلی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۵ ق.
- _____، قوت المغتذی شرح سنن الترمذی، سورہ، دارالنوادر، ۱۴۳۳ ق.
- شاکر، احمد محمد، شرح سنن ترمذی، بی جا، بی تا.
- شامی، ابن عابدین، ردالمحتار شرح تنویر الابصار، کویت، وزارت اوقاف، ۱۴۱۵ ق.
- شوکانی، محمد بن علی، السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۰۸ ق.
- _____، الفوائد المجموعه فی الأحادیث الموضوعه، بیروت، المكتبة الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۹۲ م.
- _____، تحفة الذاکرین، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۵ ق.
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیہ، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
- صنعانی، عبدالرزاق بن ہمام، المصنف، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۱ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، با تحقیق مجددي عبدالمجید سلفی، قاہرہ، مكتبة ابن تيميه، ۱۴۲۷ ق.
- طحان، محمود، تیسیر مصطلح الحدیث، زاہدان، فاروق اعظم، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، تہذیب الأحکام فی شرح المقتعہ شیخ مفید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ ق.
- طہرانی، آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بی جا، بی نا، ۱۴۰۳ ق.
- عثمانی، ظفر احمد، إعلاء السنن، کراچی، ادارة القرآن و العلوم الإسلامية، ۱۴۲۶ ق.
- عجلونی، اسمعیل بن محمد، کشف الخفا و مزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنة الناس، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۸ ق.
- عقبلی، محمد بن عمرو، الضعفاء، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۰۴ ق.
- علائی، خلیل بن کیکلیدی، النقد الصحيح لما إعترض علیه من أحادیث المصابیح، بی جا، بی نا، ۱۴۰۵ ق.
- فتحی، علی، جریان شناسی تفسیر سلفی، قم، پژوهشگاہ حوزه و دانشگاہ، ۱۳۹۷ ش.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، سفر السعادة، بی جا، دارالعصور، ۱۳۳۲ ق.
- قاری، علی بن سلطان (ملا علی)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۲ ق.
- قسطلانی، أحمد بن محمد، المواہب اللدنیة بمنح المحمدیة، قاہرہ، المكتبة التوفیقیة، بی تا.
- کاندھلوی، محمد ادیس، تعلیق الصبیح علی مشکاة المصابیح، حیدرآباد ہند، مجلس اشاعة العلوم، ۱۴۲۵ ق.
- کتانی، علی بن محمد، تزیه الشریعة المرفوعة عن الاحادیث الشنیعة الموضوعه، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۰۱ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الفروع، تہران، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- کنوری، محمد عبدالحی بن عبدالحلیم، الرفع و التکمیل فی الجرح و التعذیل، بیروت، مکتب المطبوعات الاسلامیہ، ۱۴۲۵ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، قم، فقه، ۱۴۲۷ ق.
- _____، زاد المعاد، تعلیق علاء الدین اعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
- محدث نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۲ ش.

مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، بمبئی، دارالقيمة، ۱۴۰۳ق.
 _____، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، با تصحيح بشارعواد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.

منذرى، عبدالعظيم، الترغيب و الترهيب، عمان- اردن، بيت الأفكار الدولية، بی تا.
 نجفی، محمدحسن، جواهرالكلام فى شرايع الاسلام، بيروت، داراحيا التراث العربی، ۱۳۶۲ش.
 نسایی، احمد بن شعيب، الضعفاء والمتروكين، بيروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق؛
 نووی، یحیی بن شرف الدین، المجموع شرح المهذب، بيروت، دارالفکر، بی تا.
 _____، تهذيب الأسماء واللغات، بيروت، دارالنفائس، ۱۴۲۶ق.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم و هو المسند الجامع، قاهره، دارالحديث، ۱۴۳۵ق.
 همتی پور، مرتضی، حامد خانى، سيدرضا موسوى، و محمدعلى مير. "شيوه اصلاح بينش ها از نگاه
 ابن عباس (مرورى بر روايات اخلاقى او در منابع متقدم)". مطالعات فهم حديث ۸، ۱۵ (۱۴۰۰):

doi:10.30479/mfh.2021.2497. ۲۳۱-۲۰۷

یحیی بن معین، موسوعة أقوال یحیی بن معین فى رجال الحديث و علله، تونس، دارالغرب الإسلامی،
 ۱۴۳۰ق.